

سبک پوشش



## عشق یکطرفه به الگوهای پیمار هالیوودی

■ دکتر ریابه زینال\*

ذات بشر و آفرینش آن بر اساس پیشرفت و ارتقا شکل گرفته است. ما همیشه بر اساس یک خصلت دورنی دوست داریم مسیری را انتخاب کنیم که حرکت در آن روزه جلو و پیشرفت باشد.
دنده معکوس کشیدن در ذات انسان نبیست شاید برای سایر پدیده‌های خداوند چنین تفکری اصلا دارای اهمیت نباشد اما انسان بر اساس ذات قدسی‌اش دوست دارد که ترقی و از موفقیتی پایین‌تر و عقب‌تر به سمت جا‌بگاهی بالاتر و جلوتر حرکت کند.
فرقی ندارد د خواهان پیشرفت در چه عرصه‌ای باشیم؛ ما همیشه وقتی

■ **تنزل از عرش اخلاق به فرش ابتذال**

گاه اثرات سرانیشیی تندی که مردان و زنان جوامع مختلف به ویژه جوامع غربی را از عرش اخلاقیات به فرش ابتذال می‌کشاند بر زنان بیشتر است.
تربییون غرب زنان را کانون توجه خود معرفی می‌کند و این توجه در بازه‌های زمانی و موقعیت‌های خاص اعم از دنیای سینما گاه و چچه و شخصیت‌زنان را به فقرا می‌کشد.

کیفیت پوشش و به خصوص کیفیت پوشش زنان از جمله مواردی است که همچون بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی جوامع غرب در مسیر حرکت زمان پسرقت و تنزل داشته‌اند است. لباس و پوشش زنان به عنوان عنصری که برای پوشاندن بدن مورد استفاده قرار می‌گرفت اکنون به عنصری برای بدن نمایی تبدیل شده‌است.
در این حقیقت که پوشش بر دنیای پوشش زنان تأثیر گذار بوده است هیچ‌شکی نیست اما هالیوود چگونه در شیوع بیماری عربانگرای در جوامع غربی نقش ایفا می‌کند.

لازم نیست برای رسیدن به نمونه‌های این موضوع دست به دامان شبکه‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای شویم. اگر ناستی سریال‌های خارجی همین تلویزیون خودمان پستی باشدید پوشیدگی لباس زنان در فیلم‌ها و سریال‌های خارجی که فضایی جامعه غرب در قسرن ۱۹ میلادی و پیش از آن را بازسازی می‌کند احتمالاً حاوی نکات جالب توجهی برایتان خواهد بود.

زنان غربی در اعصار دور حساسیت خاصی به پوشیدگی خود داشته‌اند و مدل لباس‌های رایج در آن دوران نشان از این حساسیت دارد.
در قرن نوزدهم میلادی لباس‌های زنانه رایج در فرورنگاه‌ها عمدتاً مبتنی بر یک طرح یکسان بود. پیراهن‌های فنی بلند و ختّه شده‌ا یا پارچه‌های آهاردار و زمخت با آستین‌های بلند یا سه‌ربیع و نیز پفهای سه سات و سنجاج پف‌های که برای تزئین کردن لباس از سوی خریدار انتخاب می‌شد.
قالب کلی طرح لباس‌های زنانه قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی را تشکیل می‌داد.

تنها تغییر محسوس در لباس‌های زنانه قرن ۱۹ میلادی طول پیراهن بود که تا پایان این قرن با حفظ پوشیدگی سایر حساسیت در میان اقلتار کم بضاعت و فقیر جامعه‌ای حالی لباس زنان غربی در قرون پیش پوشانندگی بدن را به عنوان کارکرد و ماهیت اصلی لباس حفظ می‌کرد که در آن اعصار و به خصوص در دوران انقلاب صنعتی که زنان با پای مردان در کارخانجات گرم و شرایط دشوار کاری در کنار مردان حاضر می‌شدند به رغم دست و پا گیر بودن پیراهن‌های بلند و لایه لایه مختص آن دوران همچنان بر پوشیدگی بدن خود حساسیت خاص داشتند.

این حساسیت در میان اقلتار کم بضاعت و فقیر جامعه که عموماً از طبقه کارگر بودند بیشتر بود و گاه در اواخر قرن نوزدهم میلادی الگوی لباس‌ها و پیراهن‌های زنانه از سوی طبقه اشراف در مراسم‌های خاص نقض می‌شد اما عربانگرای بی در پوشش زنانه به اندازه عصر کنونی شدت نداشت.

■ **اسناد تنزل ارزش در بین فیلم‌ها**

مقایسه پوشش لباس‌های زنانه در فیلم‌های هالیوودی امروز و فیلم‌هایی که در آن فضای غرب را در اعصار دور بازسازی می‌کنند به خوبی تنزل ارزش و کیفیت پوشانندگی لباس‌های زنانه امروز را یادآوری می‌کند؛ سینمایی که هنوز به طور کامل از میزان تأثیر گذاری بالایش بر مسایل مختلف فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی به طور کامل پرده برداشته نشده خود در رواج فرهنگ برهنگی در غرب بی تأثیر نبوده‌است.

اولین سینمای جهان در اوایل قرن ۱۹ میلادی بنا شد. فیلم‌های صامت و سیاه و سفید این دوره به رغم عقب بودن از تمام جلوه‌های بصری سینمای پر زرق و برق قرن حاضر عاری از ناپاکی‌های اخلاقی بود که در اکثر فیلم‌های هالیوودی امروزی به چشم می‌خورد؛ ناپاکی‌هایی که با توجه به تأثیر پذیری بالای جامعه از قالب جلادوی تلویزیون و پرده نقره‌ای سینما دامنگیر جامعه امروزی شده‌است.
در واقع سینما و هالیوود در تسری فرهنگ عربانگرای و فرهنگ خودنمایی از طریق استعمال مواد آرایشی در

مضحکی گشاد می‌شوند نمونه‌هایی از اثرات سینما و هالیوود بر دنیای مردهاست.

امروز زنان و مردان غربی اسیر وسوسه شهرت و منحصر به طریق بودن الگوهای عالم هالیوود هستند. آنها در این اسارت قابلیت بالایی در اثر گذاری بر عادات روزمره زندگی انسان‌ها دارد. این اثر گذاری از موارد کوچکی همچون وزن افراد گرفته تا پوشش آنها و مصارف زندگی‌شان تنوع دارد.

تجربه ارتباط میان سینما و زندگی افراد نشان داده‌ است که همواره میان نوع پوشش، آرایش و حتی فیزیک ستاره‌های سینما و ذائقه افراد جامعه ارتباط مستقیمی

وجود داشته‌است. برای مثال از برهه‌ای که سوپرستاره‌های زن هالیوود ناگهان وزن کم کردند و لاغر و نحیف شدند چاقی در جامعه‌ای چون امریکا که زمانی قاتل درجه یک اکثر امریکایی‌ها به شمار می‌آمد رو به کاهش گذاشت تا جایی که امروز لاغر بودن و به تن کردن گران‌ترین لباس‌ها هم و غم اکثر زنان امریکایی شده‌ است.

■ **هالیوود مهم‌ترین الگو سوکان و نوجوانان**

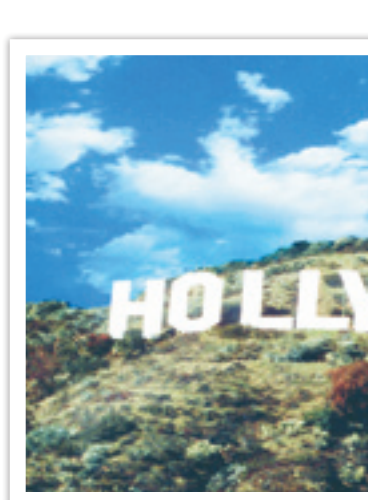
امروزه هالیوود و سینما بیش از هر چیز بود ککان و جوانان تأثیر می‌گذارد. کودکان راهی سالن‌های سینما و از آنجا نیز راهی دنیایی پر جاذبه و پر زرق و برق می‌شوند که نخستین تأثیر از این دنیا با تمایل کودکان و جوانان به لباس پوشیدن و بروز رفتارهایی مشابه سوپرستارها خودنمایی می‌کند.

همین تمایل است که مدت کوتاهی پس از نمایش فیلم‌های هالیوودی، لباس‌ها، ماسک‌ها و حتی عروسک‌های شخصیت اول و قهرمانان فیلم را روانه بازار می‌کند و در این بین زنان و دختران بیش از هر چیز مسحور رنگ و لعاب آرایش سوپرستاره‌های زن فیلم و پوشش زننده آمیخته با رنگ‌های تند و جذابی می‌شوند که جاذبه‌اش در قالب بزرگ صفحه نمایش سینما چند برابر می‌شود.

زنان غربی در حالی با تبعیت از سیاست‌های پشت پرده سینما کم‌به کم الگوپردازی از سوپرستاره‌های دنیای هالیوود می‌بینند که بت‌های غربی آنها در فیلم‌ها و سریال‌ها معمولاً در قالب شخصیت‌هایی ایفای نقش می‌کنند که عموماً رفتارهای خارج از اخلاي و غیر متعارف از خود بروز داده و به این ترتیب ناهنجاری‌های اخلاقی همچون پوشش‌های زننده را به یک پدیده طبیعی در جامعه تبدیل می‌کنند.

■ **مردها هم در امان نیستند**

البته دنیای تبلیغاتی هالیوود تنها زنان را هدف قرار نمی‌دهد. پرده نقره‌ای گاه بر پوشش، مدل مو و فیزیک مردها نیز تأثیر می‌گذارد. تمایل به داشتن بدن عضلانی با رواج قرص‌های استروئید و مدل مویی که در یک دهه سینما گاه بلند شده و گاه تا ته تراشیده شده‌ است و نیز لباس‌هایی که گاه به طرز زننده‌ای تنگ و گاه به شکل مضحکی گشاد می‌شوند نمونه‌هایی از اثرات سینما و هالیوود بر دنیای مردهاست



## سبک زندگی

سبک زندگی

## ««

تجربه ارتباط میان سینما و زندگی افراد نشان داده‌ است که همواره میان نوع پوشش، آرایش و حتی فیزیک ستاره‌های سینما و ذائقه افراد جامعه ارتباط مستقیمی وجود داشته‌است. برای مثال از برهه‌ای که سوپر استاره‌های زن هالیوود ناگهان وزن کم کردند و لاغر و نحیف شدند چاقی در جامعه‌ای چون امریکا که زمانی قاتل درجه یک اکثر امریکایی‌ها به شمار می‌آمد رو به کاهش گذاشت تا جایی که امروز لاغر بودن و به تن کردن گران‌ترین لباس‌ها هم و غم اکثر زنان امریکایی شده‌ است

همین انسان با تفکر خودش تصمیم بگیرد در مسیری باگذارد که حرکت رو به عقب و تباهی داشته باشد!
تعبج نکند برای رسیدن به چنین موردی نباید راه دوری برویم چون نمونه چنین تصمیم‌ها و چنین رفتارهایی در بین جوامع خودمان هم سابقه دارد.

تاریخ بشر اینطور می‌گوید که در بسیاری از مواقع همین انسان با تصمیماتی که گرفته خلاف جهت عقربه‌های ساعت حرکت کرده و به رغم پیشرفت‌های بسیار در مبانی فکری و علوم مختلف از نظر بسیاری از وجوه انسانی به تنزل دچار شده‌است.

پوشش‌های زننده و عربانگرای باشد جامعه غرب خواسته یا ناخواسته به سوی فقرا و انزواي مدنیت پیش خواهد رفت و در این سرانیشیی زنان جوامع غرب قربانیان اصلی اشاعه فرهنگ برهنگی و فحشا خواهند بود.
امروزه اگر جوامع و رسانه‌های غربی خود به تأثیر پذیرشان از هنرمندان و ستاره‌های عالم موسیقی و تلویزیون اعتراف نکنند، تصویر جامعه غرب که اینّه تمام نمای الگوهای هالیوودی است، خود شاهدی بر این ادعاست که هالیوود و ستاره‌هایش تأثیر مستقیمی بر فرهنگ جامعه غرب دارند. ستاره‌های دنیای هالیوود بر سرگرمی مورد علاقه افراد، خورد و خوراک و امور روزمره اثر آن می‌گذارد.

■ **الگوهای هالیوودی از درون فرور یخته‌اند**
شبه‌ابطه‌ای که میان یک ستاره هالیوودی و هوادارش به وجود می‌آید، منجر به این می‌شود که طرفدار نسبت به شخصیت هنری محبوب خود حس توهم آمیز دوستی یا حتی حس توهم آری صمیمیت شدیدی در خود دارد، حتی که معمولاً یکطرفه‌است.

این مسئله هنگامی شکلی خطرناک به خود می‌گیرد که ستاره سینمایی را انجام اعمال خلاف اخلاقی و مصرف مواد مخدر نیز اعتیاد داشته باشد.
چه بسا امروز شمار زیادی از چهره‌های شناخته شده دنیای هالیوود که در قالب نقش ایر قهرمان ناجی بشر دنیا را متلاشی شدن نجات داده یا عامل پیروزی بکنی علیه شرارت می‌شوند، خود اجسامی متحرک هستند که به واسطه اعتیاد شدید از درون فرو ریخته‌اند.

زنان و مردان جوان در غرب در سال‌های اخیر بارها با شنیدن و مشاهده خبرهایی مرطوب به بازداشت شدن ستاره‌های محبوب خود آن هم به دلایل مختلفی اعم از نامشای این مدل‌ها و الگوهای تلویزیونی و سینمایی است

از نوشیدن مشروبات الکلی و تعرض به حقوق دیگران شکه شده‌اند.

آیا این ستاره‌ها همان شخصیت‌های مثبتی هستند که نقش مبارز در راه انهدام باند‌های مخوف قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر و نیز نقش حافظان امنیت و نظم اجتماعی را ایفا می‌کنند؟!
این اتفاق در سال‌های اخیر بارها به وقوع پیوسته‌است و ستاره‌های هالیوودی بسیاری به جرم خدشه وارد کردن به نظم اجتماعی و سایر جرائم سال‌ها پشت میله‌های زندان به سر برده‌اند. نامشای این مدل‌ها و الگوهای تلویزیونی و سینمایی در زندگی خصوصی خود به شدت درگیر مصرف مواد و رفتارهای اعتیادآور هستند، منجر به بروز رفتارهای مشابه در جامعه می‌شود و مدلسازی از طریق یادگیری اجتماعی اثر مخربی بر افزایش ابتها در جامعه غرب می‌گذارد.

زنان جوان جامعه غرب نیز به تبعیت از این الگوی هالیوودی از مواد مخدر می‌شوند و سرانجام در گودالی که هالیوود و کارتل‌های مواد مخدر زیر پایشان حفر کرده‌اند، سقوط می‌کنند. امروز آمارها حاکی از آن است که اعتیاد شدید در میان زنان غربی پیباد می‌کند و حاصل دست‌این زنان که نقش تربیت خانواده‌های غربی را بر عهده دارند، نسلی خواهد بود که کارشناسان فرهنگی، رفتارشناسان و جامعه‌شناسان غرب از آن کم‌همن نسبت به آینده آنها اظهار نگرانی می‌کنند.

■ **آسیب‌های گامتر آسیب دیدند اما…**

کشورهای آسیایی مثل هند، چین، ژاپن و کشورهای عربی از جمله کشورهایی هستند که در گذر این زمان خطرناک به خاطر جبهه مقاومی که نسبت به تغییرات و تأثیرات هالیوودی دارند کمتر آسیب دیدند. البته مردشناسان معتقدند کشورهایی که دارای تاریخچه فرهنگی غنی هستند مانند شهرهایی اند که دژ محکمی دارند؛ از طرف دیگر بسیاری از جامعه‌شناسان و محققان دینی هم ادعا می‌کنند کشورهایی با سابقه ادیان الهی و مقررات اخلاقی رسانه‌ها در شکل‌دهی الگوهای فرهنگی و تغییرات مد مقاومت نشان داده‌اند که این نکته هم قابل تأمل است.

\* **پژوهشگر مسائل اجتماعی در حوزه بین‌الملل**

از آنجا که دست‌اندر کاران رسانه‌های دیداری در کشور مادر نمایش تصویر زنان با محدودیت‌هایی به لحاظ شرعی و عرفی روزه‌و هستند امکان ارائه تصویری همه‌جانبه از زن‌ها به ویژه در ابعاد عاطفی و احساسی تقریباً غیر ممکن است و شرایط به نحوی است که متولیان این حوزه گاه به طور سلیقه‌ای و انتخابی و بر حسب معیارهایی بعضاً متفاوت که اجماع نظر کمتری نسبت به آنها وجود دارد، به شخصیت پردازی در باره زنان دست می‌زنند.

بدیهی است نبود شاخص‌سازی کافی و مناسب برای کاراکترها که مبتنی بر معیارهایی از بطن ارزش‌های دینی و ملی باشد به ارائه تصویری مخدوش و غیرقابل باور از زنان در مقابل چشمان مخاطب‌منتج می‌شود.بنابراین زمانی که تماشاگر احساس کند که تصویر ارائه شده با واقعیت موجود متفاوت است و به الگوسازی غیرمنطقی و گاه غیرقابل دسترس متأثر از کلیشه‌های رایج پرداخته شده، طبیعتاً ارتباط موقفی با اثر برقرار نمی‌کند.

از آنجا که دست‌اندر کاران رسانه‌ها از سوی دیگر سبب شده‌ است در ارتباط نزدیک و تنگناکتگی میان این دو (خانواده و رسانه) پدید آید.
به نمایش درآمدن نقش زن و خانواده در رسانه‌ها می‌تواند مصادیقی از این نکته باشد. البته یکی از مباحثی که در برخی از نظریه‌های فمینیستی مطرح شد، نقش میانجی یا واسطه‌گری زن در خانواده در یک گروه اجتماعی یا یک گروه کاری است. این وجود در خانواده با مثال واضح کارکرد خاص زن قابل توضیح است.زن‌ها به‌سبب جایگاه خاص خود از ارتباطات وسیع و همزمانی با همه اعضای خانواده بر خوردارند. به‌عبارتی آنها در خانواده به ویژه در جایگاه مادر نقش واسطه و میانجی را پیدا می‌کنند، نقطه‌ه و کانون تلاقی انواع برداشت‌ها و انواع سلیقه‌ها می‌شوند و وقتی یک زن در معرض این تلاقی قرار می‌گیرد نقش او مهم می‌شود.

حضور زن در بستر اجتماعی و حوزه‌های کاری نیز از این تأثیر بسزا مستثنی نیست و خانم‌ها به خاطر ویژگی‌های خاص عاطفی و شخصیتی در

کنار فعالیت‌های اجتماعی شان در گستره وسیع ارتباطات اجتماعی نیز ایفای نقش می‌کنند که در صورت استفاده دقیق و مناسب می‌تواند تأثیر روزه رشدی در بستر اجتماعی به همراه داشته باشد. تصویر ارائه شده از حضور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان در رسانه‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم در افزایش اعتماد به نفس زنان مؤثر بوده‌ است. البته نمی‌توان تولید آثار نمایشی و برنامه‌های گوناگونی که نقش مؤثر و تأثیرگذار زنان را در برهه‌های حساس انقلاب و روند رو به جلوی اقتصادی اجتماعی و سیاسی کشور نشان داده‌ از نظر دور داشت.

سال‌ها قبل سریالی به نام «عقیق» در تلویزیون پخش می‌شد که تصویر زنی فعال و مؤثر در رشد اقتصادی یک منطقه روستایی را به تصویر کشیده بود با سریال «هنر زرع آفتابگردان» با مصادیق

متعدد گوناگون دیگر.
بعد از انقلاب به دلیل نبود برنامه‌های تدوین شده و چارچوب‌های مشخص و تعریف شده در ارتباط با چگونگی نمایش چهره زن در سینما و تلویزیون، گردانندگان رسانه‌های دیداری این دوره گذار فرهنگی را گاه به واسطه آزمون و خطا پیش برده‌اند و حضور زنان در تولیدات نمایشی برهه‌زمانی چندان به چشم نمی‌آید. در این دوران به واسطه اوضاع اجتماعی جامعه و قرارگیری در شرایط خاص جنگ تحمیلی کمتر از همیشه به ابعاد عاطفی و احساسی زنان پرداخته شده‌است. البته دور از انصاف‌است که تلاش‌های برنامه‌سازان را در جهت نمایش تصویری نزدیک به واقعیت از زنان ایرانی با توجه به تمام ابعاد وجودی از نظر دور بداریم.

من متقدم در درجه اول باید بر لزوم ایجاد گروه‌های پژوهشی در زمینه‌های گوناگون مذهبی، روانشناسی، جامعه‌شناسی… در کنار سایر عوامل و تولیدکنندگان اهتمام ورزیم تا بدین وسیله در جهت کسب شناخت صحیح از جامعه و بر کردن خلأهای اجتماعی گام مؤثری برداشته شود. این گروه‌ها با تحقیق و بررسی در کنار پژوهش‌های میاندسی در جامعه می‌توانند ضمن ارائه ایده‌آلهایی از زن مسلمان ایرانی با مطابق شرع و عرف، به تصویر شفاف‌تری از زنان در زندگی عادی روزمره دست یافته‌و در آثار نمایشی خود همراه ارائه تصویری واقعی و همدات پندارانه به مخاطب درصدد نزدیک کردن زمینه‌های فکری آنها با استانداردهای مذهبی، اجتماعی و فرهنگی باشند.

در خاتمه باید نکته مهمی را خاطر نشان کنم که سعی بر روایت مسائل اجتماعی زنان با نگاه آسیب‌شناسانه و به دور از هر گونه غرض‌ورزی و بزرگنمایی و تا حد امکان براساس شواهد و مستندات می‌تواند در حوزه نمایش ضمن تأثیرگذاری مثبت در افراد، مخاطب بیشتری را به خود جذب کند.

همه‌جانبه‌ای از زن ایرانی ارائه دهند.
امروز رسانه‌های جدید ارتباطی از یک ابزار ساده در حوزه فرهنگ به یک نهاد مؤثر و غیر قابل حذف مبدل شده‌اند که به نوعی در تنظیم روابط سایر نهادهای اجتماعی نیز ایفای نقش می‌کند. تأثیرگذاری رسانه‌ها در شکل‌دهی الگوهای رفتاری و مناسبات انسانی از یک سو و تأثیر عنصر نهاد اجتماعی که کوچک‌ترین سلول آن خانواده

سبک تعالی

رسانه‌ها در ارتقای جایگاه اجتماعی زنان سهم بسزایی دارند

### تصویر زن ایرانی در قاب رسانه

■ **دکتر رقیه محمدزاده\***

در دنیای امروز رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون یکی از منابع هویت‌بخش برای افراد جامعه به شمار می‌روند که قدرت چشمگیری در تغییر نگرش‌ها و ترویج اندیشه‌ها در اذهان عمومی از خود به نمایش می‌گذارند. در این میان ضرورت بررسی جایگاه زنان در رسانه‌ها، در ایجاد تصورات غلط و افراطی یا در مقابل برداشت صحیح و مطابق با واقعیت به وضوح احساس می‌شود.

است در رشد رسانه‌ها از سوی دیگر سبب شده‌ است در ارتباط نزدیک و تنگناکتگی میان این دو (خانواده و رسانه) پدید آید.
به نمایش درآمدن نقش زن و خانواده در رسانه‌ها می‌تواند مصادیقی از این نکته باشد. البته یکی از مباحثی که در برخی از نظریه‌های فمینیستی مطرح شد، نقش میانجی یا واسطه‌گری زن در خانواده در یک گروه اجتماعی یا یک گروه کاری است. این وجود در خانواده با مثال واضح کارکرد خاص زن قابل توضیح است.زن‌ها به‌سبب جایگاه خاص خود از ارتباطات وسیع و همزمانی با همه اعضای خانواده بر خوردارند. به‌عبارتی آنها در خانواده به ویژه در جایگاه مادر نقش واسطه و میانجی را پیدا می‌کنند، نقطه‌ه و کانون تلاقی انواع برداشت‌ها و انواع سلیقه‌ها می‌شوند و وقتی یک زن در معرض این تلاقی قرار می‌گیرد نقش او مهم می‌شود.

حضور زن در بستر اجتماعی و حوزه‌های کاری نیز از این تأثیر بسزا مستثنی نیست و خانم‌ها به خاطر ویژگی‌های خاص عاطفی و شخصیتی در کنار فعالیت‌های اجتماعی شان در گستره وسیع ارتباطات اجتماعی نیز ایفای نقش می‌کنند که در صورت استفاده دقیق و مناسب می‌تواند تأثیر روزه رشدی در بستر اجتماعی به همراه داشته باشد. تصویر ارائه شده از حضور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان در رسانه‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم در افزایش اعتماد به نفس زنان مؤثر بوده‌ است. البته نمی‌توان تولید آثار نمایشی و برنامه‌های گوناگونی که نقش مؤثر و تأثیرگذار زنان را در برهه‌های حساس انقلاب و روند رو به جلوی اقتصادی اجتماعی و سیاسی کشور نشان داده‌ از نظر دور داشت.

سال‌ها قبل سریالی به نام «عقیق» در تلویزیون پخش می‌شد که تصویر زنی فعال و مؤثر در رشد اقتصادی یک منطقه روستایی را به تصویر کشیده بود با سریال «هنر زرع آفتابگردان» با مصادیق

متعدد گوناگون دیگر.
بعد از انقلاب به دلیل نبود برنامه‌های تدوین شده و چارچوب‌های مشخص و تعریف شده در ارتباط با چگونگی نمایش چهره زن در سینما و تلویزیون، گردانندگان رسانه‌های دیداری این دوره گذار فرهنگی را گاه به واسطه آزمون و خطا پیش برده‌اند و حضور زنان در تولیدات نمایشی برهه‌زمانی چندان به چشم نمی‌آید. در این دوران به واسطه اوضاع اجتماعی جامعه و قرارگیری در شرایط خاص جنگ تحمیلی کمتر از همیشه به ابعاد عاطفی و احساسی زنان پرداخته شده‌است. البته دور از انصاف‌است که تلاش‌های برنامه‌سازان را در جهت نمایش تصویری نزدیک به واقعیت از زنان ایرانی با توجه به تمام ابعاد وجودی از نظر دور بداریم.

من متقدم در درجه اول باید بر لزوم ایجاد گروه‌های پژوهشی در زمینه‌های گوناگون مذهبی، روانشناسی، جامعه‌شناسی… در کنار سایر عوامل و تولیدکنندگان اهتمام ورزیم تا بدین وسیله در جهت کسب شناخت صحیح از جامعه و بر کردن خلأهای اجتماعی گام مؤثری برداشته شود. این گروه‌ها با تحقیق و بررسی در کنار پژوهش‌های میاندسی در جامعه می‌توانند ضمن ارائه ایده‌آلهایی از زن مسلمان ایرانی با مطابق شرع و عرف، به تصویر شفاف‌تری از زنان در زندگی عادی روزمره دست یافته‌و در آثار نمایشی خود همراه ارائه تصویری واقعی و همدات پندارانه به مخاطب درصدد نزدیک کردن زمینه‌های فکری آنها با استانداردهای مذهبی، اجتماعی و فرهنگی باشند.

در خاتمه باید نکته مهمی را خاطر نشان کنم که سعی بر روایت مسائل اجتماعی زنان با نگاه آسیب‌شناسانه و به دور از هر گونه غرض‌ورزی و بزرگنمایی و تا حد امکان براساس شواهد و مستندات می‌تواند در حوزه نمایش ضمن تأثیرگذاری مثبت در افراد، مخاطب بیشتری را به خود جذب کند.

همه‌جانبه‌ای از زن ایرانی ارائه دهند.
امروز رسانه‌های جدید ارتباطی از یک ابزار ساده در حوزه فرهنگ به یک نهاد مؤثر و غیر قابل حذف مبدل شده‌اند که به نوعی در تنظیم روابط سایر نهادهای اجتماعی نیز ایفای نقش می‌کند. تأثیرگذاری رسانه‌ها در شکل‌دهی الگوهای رفتاری و مناسبات انسانی از یک سو و تأثیر عنصر نهاد اجتماعی که کوچک‌ترین سلول آن خانواده

از آنجا که دست‌اندر کاران رسانه‌های دیداری در کشور مادر نمایش تصویر زنان با محدودیت‌هایی به لحاظ شرعی و عرفی روزه‌و هستند امکان ارائه تصویری همه‌جانبه از زن‌ها به ویژه در ابعاد عاطفی و احساسی تقریباً غیر ممکن است و شرایط به نحوی است که متولیان این حوزه گاه به طور سلیقه‌ای و انتخابی و بر حسب معیارهایی بعضاً متفاوت که اجماع نظر کمتری نسبت به آنها وجود دارد، به شخصیت پردازی در باره زنان دست می‌زنند.

بدیهی است نبود شاخص‌سازی کافی و مناسب برای کاراکترها که مبتنی بر معیارهایی از بطن ارزش‌های دینی و ملی باشد به ارائه تصویری مخدوش و غیرقابل باور از زنان در مقابل چشمان مخاطب‌منتج می‌شود.بنابراین زمانی که تماشاگر احساس کند که تصویر ارائه شده با واقعیت موجود متفاوت است و به الگوسازی غیرمنطقی و گاه غیرقابل دسترس متأثر از کلیشه‌های رایج پرداخته شده، طبیعتاً ارتباط موقفی با اثر برقرار نمی‌کند.

از آنجا که دست‌اندر کاران رسانه‌های دیداری در کشور مادر نمایش تصویر زنان با محدودیت‌هایی به لحاظ شرعی و عرفی روزه‌و هستند امکان ارائه تصویری همه‌جانبه از زن‌ها به ویژه در ابعاد عاطفی و احساسی تقریباً غیر ممکن است و شرایط به نحوی است که متولیان این حوزه گاه به طور سلیقه‌ای و انتخابی و بر حسب معیارهایی بعضاً متفاوت که اجماع نظر کمتری نسبت به آنها وجود دارد، به شخصیت پردازی در باره زنان دست می‌زنند.

بدیهی است نبود شاخص‌سازی کافی و مناسب برای کاراکترها که مبتنی بر معیارهایی از بطن ارزش‌های دینی و ملی باشد به ارائه تصویری مخدوش و غیرقابل باور از زنان در مقابل چشمان مخاطب‌منتج می‌شود.بنابراین زمانی که تماشاگر احساس کند که تصویر ارائه شده با واقعیت موجود متفاوت است و به الگوسازی غیرمنطقی و گاه غیرقابل دسترس متأثر از کلیشه‌های رایج پرداخته شده، طبیعتاً ارتباط موقفی با اثر برقرار نمی‌کند.

از آنجا که دست‌اندر کاران رسانه‌های دیداری در کشور مادر نمایش تصویر زنان با محدودیت‌هایی به لحاظ شرعی و عرفی روزه‌و هستند امکان ارائه تصویری همه‌جانبه از زن‌ها به ویژه در ابعاد عاطفی و احساسی تقریباً غیر ممکن است و شرایط به نحوی است که متولیان این حوزه گاه به طور سلیقه‌ای و انتخابی و بر حسب معیارهایی بعضاً متفاوت که اجماع نظر کمتری نسبت به آنها وجود دارد، به شخصیت پردازی در باره زنان دست می‌زنند.